

بررسی «دیگری» در سیاست خارجی چین: با تأکید بر اسناد امنیتی ملی این کشور (۲۰۲۲-۲۰۱۴)

الهام رسولی ثانی آبادی^۱

زهرا اعرابی^۲

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

rasooli@yazd.ac.ir

^۱. دانشیار روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)

^۲. فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه یزد z.arabi7610@gmail.com

چکیده

مفهوم «دیگری» از جمله مفاهیم مهم در شاخه‌های نظری مختلف سازه‌انگاری می‌باشد؛ چراکه این مفهوم به همراه مفهوم «خود»، منجر به شکل‌گیری «هویت» می‌شود. از منظر الکساندر ونت «خود» در جریان تعاملات هویتی، «دگر» را به سه گونه «دوست، دشمن و رقیب» بازنمایی می‌کند. مطابق با این انگاره نظری برای فهم سیاست خارجی هر کشوری از جمله چین نیازمند بررسی «دیگری» و انواع آن مطابق با الگوهای سه‌گانه ونتی هستیم. بنابراین سوال اصلی این پژوهش آن است که «دیگری» دوست، دشمن و رقیب در سیاست خارجی چین با توجه به اسناد امنیتی ملی این کشور در بازه زمانی (۲۰۲۲-۲۰۱۴) شامل کدام کشورها بوده است؟ این پژوهش فاقد فرضیه است. مطابق با تحلیل محتوای اسناد امنیتی ملی چین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در سیاست خارجی این کشور، کشورهای روسیه و پاکستان به‌عنوان دیگری دوست، کشورهای ژاپن، هند و آمریکا به‌عنوان دیگری رقیب و جریانات جدایی طلب تایوان به‌عنوان دیگری دشمن بازنمایی و تعریف شده‌است. پژوهش حاضر بر اساس تحلیل محتوای کیفی انجام شده است.

• واژگان کلیدی

سازه‌انگاری، دیگری، امنیتی ملی، سیاست خارجی، چین.

یکی از مفاهیم مهم در جریانات مختلف سازه‌انگاری روابط بین‌الملل، مفهوم «دیگری»^۱ است که در مقابل مفهوم «خود»^۲ قرار دارد. در ادبیات سازه‌انگاران، هویت کنش‌گران بر اساس همین رابطه میان خود و دگر شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، هویت اندیشه‌ای است که کنش‌گر در مورد خود و دیگری دارد. پس هویت از تعامل میان کنش‌گران ناشی می‌شود و لازمه‌ی این مفهوم، وجود «خود» و «دیگری» است. بر همین اساس، دولت‌ها در روابط خود با سایر کنش‌گران نظام بین‌الملل بر اساس تصویری که از خود و دیگری دارند، سیاست خارجی و روابط مبتنی بر آن را شکل می‌دهند. بنابراین یکی از شیوه‌های مهم شناخت سیاست خارجی هر کشوری بررسی انواع «دیگری» است که رهبران آن کشور در مواجهه با «خود» تعریف می‌کنند. این «دیگری» را می‌توان در حوزه‌هایی چون کنش‌های گفتاری نخبگان تصمیم‌گیرنده دولت‌ها، اقدامات عملی آن‌ها و هم‌چنین اسناد امنیتی ملی شناسایی کرد. بنابراین هدف اصلی ما در این پژوهش، بررسی انواع «دیگری» در سیاست خارجی دولت چین با تأکید بر اسناد امنیتی ملی این کشور می‌باشد. اسناد امنیتی ملی به‌عنوان مهم‌ترین اسناد امنیتی هر کشوری است در برخی از کشورها، حالتی محرمانه دارد، اما در برخی دیگر از کشورها از جمله چین و آمریکا، این اسناد به‌صورت دوره‌ای توسط مقامات رسمی کشور منتشر می‌شوند. در چین، این اسناد تحت عنوان کتاب سفید^۳ توسط دفتر اطلاعات شورای دولتی چین^۴ در دوره‌های زمانی مختلف منتشر می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این اسناد، به روابط چین با دنیای خارج و نحوه چگونگی بازنمایی این دولت از سایر دولت‌ها است. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش آن است که «دیگری» دوست، دشمن و رقیب در سیاست خارجی چین با توجه به اسناد امنیتی ملی این کشور شامل کدام کشورها بوده است؟ در این پژوهش نقطه تمرکز زمانی، بازه زمانی (۲۰۲۲-۲۰۱۴) و نقطه تمرکز موضوعی، دو سند آخر منتشر شده چین یعنی سند ۲۰۱۵ تحت عنوان «استراتژی نظامی چین»^۵ و سند ۲۰۱۹ تحت عنوان «دفاع ملی چین در عصر جدید»^۶ می‌باشد.

1. The Other

2. The Self

3. White Paper

4. Information Office of the State Council of China

5. China's Military Strategy

6. China's National Defense in the New Era

۱- چارچوب نظری: بررسی الگوهای سه‌گانه «دیگری» در نظریه الکساندر ونت

الکساندر ونت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری سیستمی در کتاب خود با عنوان «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»^۱ با تأکید بر مفهوم هویت، آن را خصوصیتی در کنش‌گر نیت‌مند می‌داند که موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری است. بنابراین از منظر ونت هویت ریشه در فهم کنش‌گر از خود دارد (ونت، ۱۳۸۴: ۲۳۵). ونت هویت کنش‌گران را به انواع چهارگانه زیر تقسیم می‌کند:

۱. «هویت حقوقی یا شخصی یا جمعی پیکروار»^۲: این هویت پیش از تعامل وجود دارد و پایگاهی برای سایر هویت‌ها است و دارای بنیادی مادی و تغییرناپذیر است. هر بازیگر تنها یک هویت حقوقی یا شخصی دارد.

۲. «هویت نوعی»^۳: به مقوله‌ای اجتماعی اشاره دارد و می‌تواند چندگانه باشد. در ارتباط با دولت‌ها می‌توان به نوع رژیم یا شکل حکومت اشاره کرد و بیش‌تر بر اساس رابطه جامعه با دولت تعریف می‌شود.

۳. هویت مبنی بر نقش^۴: این هویت صرفاً در رابطه با دیگری مطرح است و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. این هویت به جایگاهی برمی‌گردد که یک بازیگر در یک ساختار اجتماعی گرفته‌است و از هنجارهای رفتاری نسبت به دیگرانی که در مقابل آن هستند، پیروی می‌کند.

۴. هویت جمعی^۵: مشخصه‌ای مشترک و مقید به تعامل است که به وسیله افراد متعامل و متعددی که برای جهت‌گیری‌های اعمال‌شان و حیطه فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط عملکردشان، اهمیت و حساسیت قائل‌اند، به‌وجود می‌آید. این هویت رابطه میان خود و دیگری را به نتیجه منطقی آن یعنی «هم‌ذات‌انگاری» یا «یکسان‌انگاری» می‌رساند. یکسان‌انگاری یک فرایند ادراکی است که در آن تمایز میان خود و دیگری رنگ می‌بازد (ونت، ۱۳۸۴: ۳۳۴-۳۲۶).

بنابراین می‌توان این گونه بیان کرد که هویت در اصل پدیده‌ای اجتماعی است که در پیوند با عضویت‌های گروهی و همچنین در تقابل با یک «دگر» معنا پیدا می‌کند و دارای دو بعد

1. Social theory of international politics

2. Personal Identity

3. A kind of Identity

4. Role-based Identity

5. Collective Identity

اصلی است: هم‌سانی یعنی همانند بودن فرد با سایر کسانی که هویتی مشابه دارند و «تمایز» به معنی همانند خود و متمایز از دیگران بودن در طی زمان (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴).

ونت سپس با تأکید بر مفهوم هویت و برداشت‌های هویتی دولت‌ها از یکدیگر، بر این باور است که بر اساس همین برداشت‌های هویتی می‌توان سه نوع فرهنگ در نظام بین‌الملل مورد شناسایی قرار داد: فرهنگ کانتی (دوستی)، فرهنگ هابزی (دشمنی) و فرهنگ لاکی (رقابت). هر یک از وضعیت‌ها متضمن حالت یا سمت‌گیری خاص خود نسبت به دیگری از نظر کاربرد خشونت است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷۶-۳۷۵).

در فرهنگ کانتی اصل بر همکاری و عدم توسل به خشونت میان خود و دیگری است و نقش غالب در این فرهنگ، دوستی می‌باشد. در این‌جا، خود و دیگری با هم متحد هستند و خشونت علیه یکدیگر را کنار می‌گذارند و منافع و تهدیدهایشان با هم مشترک می‌شود. در این‌جا، بازی برد-برد میان دو بازیگر وجود دارد. در فرهنگ کانتی دو قاعده اساسی وجود دارد: «قاعده عدم خشونت» و «قاعده کمک متقابل». البته دوستی تنها به امنیت ملی مربوط می‌شود و ضرورتی ندارد به سایر حوزه‌های موضوعی، تسری یابد. عدم خشونت و کمک متقابل محدودیت‌هایی در چگونگی اداره سایر موضوعات تحمیل می‌کند، اما در این محدوده، دوستان می‌توانند تعارضات (البته غیر امنیتی) چشم‌گیری هم داشته‌باشند. سرانجام این که دوستی از نظر زمانی دوام بیش‌تری دارد. از این نظر دوستی با اتحاد متفاوت است. اتحاد موقتی است و بر اساس مصلحت طرفین می‌باشد. بنابراین متحدان انتظار دارند نهایتاً به شرایطی بازگردند که در میان آن‌ها جنگ به یک گزینه تبدیل شود و بر همین مبنا برنامه‌ریزی خواهند کرد. البته دوستی نیز ممکن است به هم بخورد، اما انتظار آن‌ها در اصل این است که رابطه ادامه خواهد یافت. براساس دو قاعده ذکر شده، آنچه دوستی کشورها را در عرصه سیاست بین‌الملل رقم خواهد زد، ایجاد یک نظام امنیت دسته جمعی است. امنیت دسته جمعی مبتنی بر اصل کمک متقابل، یا همه برای یکی، یکی برای همه است (ونت، ۱۳۸۴: ۴۳۶-۴۳۴).

در فرهنگ لاکی (رقابت)، خود و دیگری دارای منافع مشترک و متعارض هستند، به عبارتی دولت‌ها در فرهنگ لاکی، با هم‌دیگر رقابت می‌کنند، اما این رقابت منجر به نابودی طرفین نمی‌شود. اگر بازیگر توانایی لازم را در بهتر بازی کردن داشته باشد، بیشتر منفعت و امتیاز را از طرف مقابل کسب خواهد کرد. رقیبان هم مانند دشمنان بر اساس بازنمایی‌هایی درباره خود و

دیگری و در ارتباط با خشونت شکل می‌گیرند، اما این بازنمایی‌ها کمتر جنبه تهدیدآمیز دارند. بنابراین خشونت موجود در فرهنگ لاکی، محدود است (Wendt, 1999: 279).

رقابت در فرهنگ لاکی همچنین سه پیامد برای سیاست خارجی دولت‌ها دارد:

۱. دولت‌ها هر نوع تعارضی که داشته باشند، باید به حق حاکمیت یک‌دیگر احترام بگذارند؛

۲. قدرت نظامی کماکان اهمیت نسبی خود را دارد، اما معنای آن برای رقبا با معنایی که

برای دشمنان دارد، متفاوت است؛

۳. اگر اختلاف منجر به جنگ شد، رقیبان خشونت خود را محدود خواهند کرد.

در فرهنگ هابزی (دشمنی) خشونت میان خود و دیگران فاقد محدودیت‌های درونی است و اصطلاحاً به «جنگ همه علیه همه» معروف است. بنابراین هرگونه اقدامات «دیگری» برای «خود»، تهدیدآمیز تلقی می‌شود. در این فرهنگ، تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد و اگر جنگی هم رخ دهد، دولت‌ها زورشان را محدود نخواهند کرد. نظامی که در آن فرهنگ هابزی غالب است، به معنای واقعی یک دولت خودیار است؛ چرا که در این نظام کنش‌گران نمی‌توانند روی کمک دیگران حساب کنند و خویشتن‌داری را رعایت کنند. بقاء صرفاً وابسته به قدرت نظامی است و این یعنی افزایش امنیت «الف» لزوماً امنیت «ب» را کاهش می‌دهد و «ب» هرگز نمی‌تواند مطمئن باشد که توان‌مندی‌های «الف» تدافعی هستند. امنیت امری عمیقاً رقابت‌آمیز و حاصل جمع صفر است و معمای امنیت به‌طور خاص شدید است، اما نه به دلیل ماهیت سلاح‌ها، یعنی موازنه تهاجمی - تدافعی، بلکه به دلیل نیاتی که به دیگران نسبت داده می‌شود (ونت، ۱۳۸۴).

در مبحث بعد ابتدا با بررسی محتوایی اسناد ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ چین به انواع دیگری در سیاست خارجی چین از منظر این اسناد خواهیم پرداخت.

۲- بررسی «دیگری دوست» در سیاست خارجی چین با تأکید بر اسناد امنیت ملی

۲۰۱۵ و ۲۰۱۹

به‌طور کلی، چین همیشه به‌دنبال گسترش روابط خود با سایرین بوده‌است. چین سعی دارد یک جامعه با آینده مشترک در منطقه خود ایجاد کند. در این راستا، هرچه روابط دوستانه‌اش را با سایر کشورها افزایش دهد، به تحقق هدف مدنظر خود نزدیک‌تر می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از محتوای اسناد امنیت ملی چین در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹،

می‌توان به این نتیجه رسید که برای چین، «دیگری» دوست شامل کشورهای همسایه از جمله روسیه و پاکستان می‌شود. البته بررسی محتوایی اسناد امنیت ملی چین نشان می‌دهد که این کشور در تلاش است تا روابط خود را با کشورهای اروپایی، آفریقایی و آمریکای لاتین را در ابعاد مختلف گسترش دهد. در این رابطه در سند ۲۰۱۵ بیان شده است: «چین برای ارتقای سطح روابط نظامی با اروپایی‌ها تلاش خواهند کرد و همچنین به روابط نظامی دوستانه سنتی با آفریقا و آمریکای لاتین نیز ادامه خواهد داد» (China's Military Strategy, 2015: 20).

هم‌چنین در سند ۲۰۱۹ نیز بیان شده است که چین در حال توسعه روابط نظامی خود با کشورهای اروپایی است. چین با هدف قرار دادن یک همکاری سازنده با کشورهای اروپایی در چارچوب صلح، رشد، اصلاحات و تمدنی، در حال گفت‌وگوهای سیاسی امنیتی، رزمایش‌های مبارزه با دزدی دریایی و آموزش پرسنلی با اتحادیه اروپا است و نیز تقویت مبادلات نظامی را با کشورهای در حال توسعه در آفریقا و آمریکای لاتین، با انجام آموزش‌های پرسنلی، انجام مبادلات بین افسران سطح میانی و سطح پایین و کمک به توسعه و ارتقای توان نظامی، تقویت کرده است (China's National Defense in the New Era, 2019: 23).

۱.۲) تأکید بر کشورهای همسایه به‌عنوان دوست

سطح اول دوستی از نظر چین، شامل برخی از کشورهای همسایه از جمله روسیه، پاکستان، مغولستان، نپال، میانمار، تاجیکستان و قرقیزستان و قزاقستان می‌باشد و پکن به‌دنبال توسعه روابط خود با این کشورها است. چین امروزه به جای این‌که از نظر دیپلماتیک در انزوا باشد، سعی می‌کند نسبت به کشورهای رقیب، روابط خود را با همسایگانش گسترش دهد (Xintian, 2008: 132). در همین رابطه، در سند ۲۰۱۵ بیان شده است که چین دیپلماسی همسایگی، دوستی و صداقت متقابل و فراگیر را دنبال می‌کند و نیروهای مسلح چین نیز به‌دنبال توسعه هر چه بیش‌تر روابط خود با هم‌تایان خود در کشورهای همسایه هستند (China's Military Strategy, 2015: 20).

هم‌چنین در سند ۲۰۱۹ بیان شده است که چین با تعهد به ایجاد یک جامعه با یک آینده مشترک در منطقه خود، تلاش می‌کند تا همکاری نظامی با همسایگان را عمیق‌تر کند. در همین رابطه در سال‌های اخیر، چین به‌طور مرتب رزمایش‌های دوره‌ای و آموزش در مورد مبارزه با تروریسم، حفظ صلح، جست‌وجو و نجات و مهارت‌های تاکتیکی با همسایه‌های خود را

به انجام رسانده و مبادلات گسترده‌ای در حوزه همکاری‌های عملی در دفاع از مرز و ساحل ترتیب داده‌است (China's National Defense in the New Era, 2019: 23).

در حوزه سیاست خارجی، چین مسائل مرزی خود را با ۱۲ کشور از ۱۴ کشور همسایه حل‌و-فصل کرده مبادلات گسترده‌ای را در حوزه همکاری‌های عملی در دفاع از مرز و ساحل ترتیب داده‌است. هم‌چنین چین، معاهده همسایگی، دوستی و همکاری را با ۸ کشور حاشیه خود از جمله روسیه، پاکستان، مغولستان، میانمار، نپال، تاجیکستان و قرقیزستان امضاء کرده‌است. از آن‌جا که در میان این کشورها، دو کشور روسیه و پاکستان دارای جایگاه بسیار برجسته‌تری در سیاست خارجی چین دارند، در این پژوهش به این دو کشور پرداخته خواهد شد.

۲.۲) تأکید بر روسیه به عنوان دیگری دوست

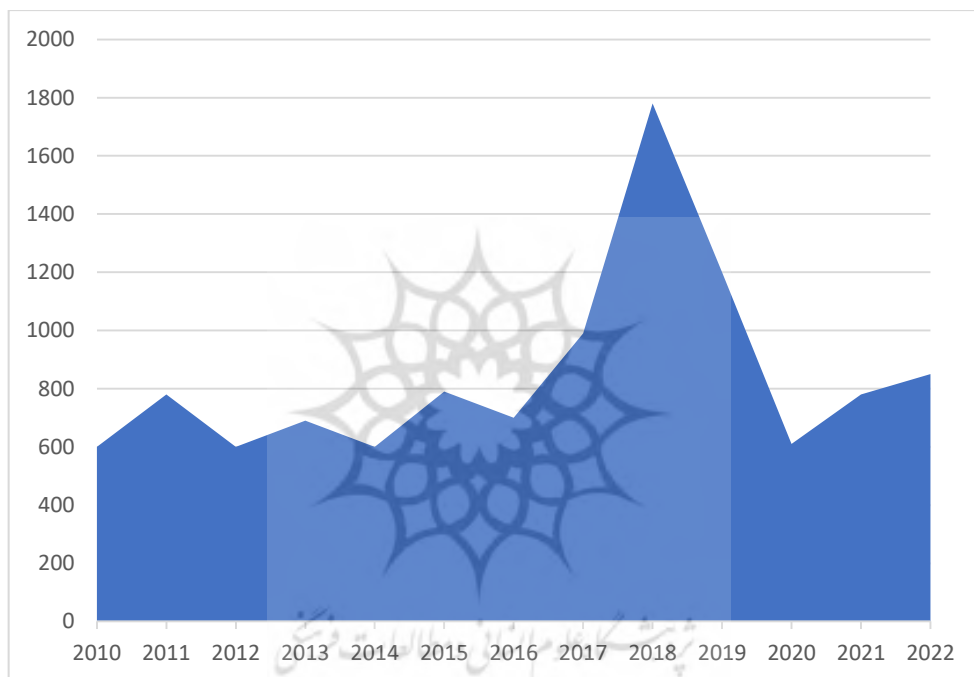
بررسی محتوایی اسناد امنیتی ملی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ چین نشان می‌دهد، تأکید بر ایجاد و حفظ روابط دوستانه با روسیه به‌عنوان همسایه بزرگ شمالی چین بسیار زیاد می‌باشد. در همین راستا، مهم‌ترین ابعاد مشارکت راهبردی چین و روسیه در زمینه نظامی و پس از آن در حوزه اقتصادی می‌باشد. در همین رابطه، در سند ۲۰۱۵ امنیتی ملی بیان شده است که چین به‌دنبال توسعه همه‌جانبه‌ی روابط نظامی و مشارکت با روسیه و به‌دنبال ایجاد چارچوب‌های متنوع و پایدار برای ارتقای روابط در حوزه نظامی و سطوح بیش‌تر با این کشور می‌باشد (China's Military Strategy, 2015: 20).

هم‌چنین در سند ۲۰۱۹ به همکاری همه‌جانبه با روسیه به‌عنوان شریکی مطمئن اشاره شده‌است. در همین رابطه در سند اشاره شده‌است که چین همکاری‌های همه‌جانبه خود را با روسیه به‌عنوان شریکی مطمئن ادامه خواهد داد؛ تا از این طریق بتواند در حفظ ثبات استراتژیک جهانی، نقش مهمی ایفا کند. نیروهای چینی و روسی به توسعه صحیح سازوکارهای تبادل‌اتی در تمام سطوح ادامه می‌دهند، همکاری‌های گسترده‌ای در مبادلات سطح بالا، آموزش نظامی، تجهیزات، فن‌آوری و مبارزه با تروریسم را محقق می‌کنند و همکاری و هماهنگی مثبتی در مناسبات بین‌المللی و چندجانبه صورت داده‌اند (China's National Defense in the New Era, 2019: 22-23).

در همین زمینه بایستی بیان کرد که پس از به قدرت رسیدن شی جین پینگ، روسیه نخستین کشوری بود که وی به‌عنوان رئیس دولت در سال ۲۰۱۵ به آن‌جا سفر کرد که این نشان‌دهنده اهمیت توسعه روابط با مسکو است. سفری که مقارن بود با ایام بحران اوکراین که

به دنبال آن، مسکو نیز سیاست «چرخش به شرق»^۱ را اولویت سیاست خارجی خود قرار داد تا این همکاری‌ها تعمیق بیشتری پیدا کند (Gabuev, 2015: 1). به طور کلی، مهم‌ترین شاخص همکاری دوستانه میان چین و روسیه در حوزه نظامی در ابعاد مختلفی چون تبادلات نظامی، انجام مانورهای مشترک نظامی، استقرار پایگاه‌های مشترک نظامی در خاک چین و روسیه می باشد.

نمودار شماره ۱: تسلیحات فروخته شده روسیه به چین ۲۰۱۰-۲۰۲۲ (درآمدها به میلیون دلار آمریکا)



منبع: Gorenburg et.al, 2023: 30

به عنوان مثال در خصوص رزمایش‌های نظامی مشترک، دو کشور چین و روسیه از سال ۲۰۱۴ شروع به شرکت در مسابقات بزرگی مانند مسابقات نیروی هوایی^۲ کردند که هر دو اکنون در تمرینات سالانه هستند. از آن زمان، این دو کشور با شرکت در شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای و انجام گشت‌های هوایی مشترک، فضای همکاری خود را بیش‌تر کردند. در مجموع،

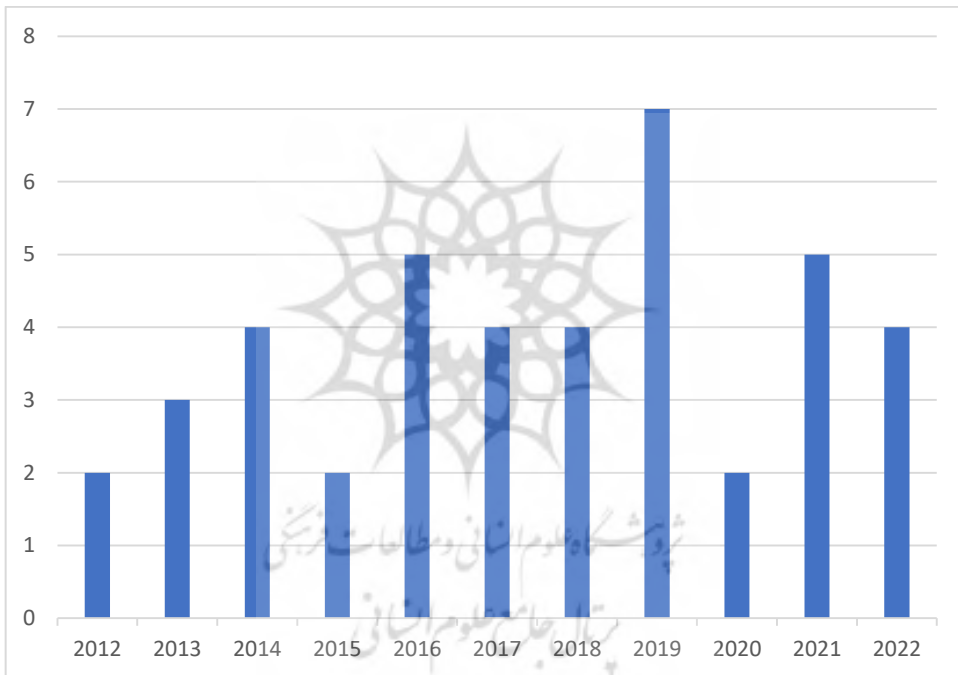
^۱. Turn to the East

^۲. Aviadarts & Tank Biathlon

چین و روسیه در حداقل ۷۸ رزمایش نظامی مشترک بین سال های ۲۰۰۳ تا اواسط سال ۲۰۲۲ شرکت کردند که بیش از نیمی از این رزمایش ها از سال ۲۰۱۶ انجام شده است (Carlson, 2018: 1).

جدیدترین رزمایش نظامی مشترک چین و روسیه تحت عنوان «وستوک ۲۰۲۲»، در دریای ژاپن بوده که با هدف مقابله با برتری آمریکا، تقویت همکاری های دریایی بین چین و روسیه و حفظ صلح و ثبات در منطقه آسیا و اقیانوسیه صورت گرفته است.

نمودار شماره ۲: تمرینات نظامی چین و روسیه (۲۰۱۲-۲۰۲۲)



منبع: Gorenburg and et.al, 2023: 51

در خصوص استقرار پایگاه های مشترک نظامی در خاک چین و روسیه نیز می توان به مواردی چون پایگاه نظامی «آمور»^۱ اشاره کرد که در نزدیکی مرز بین چین و روسیه واقع شده است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، چین و روسیه توافق کردند تا

^۱. Amur

پایگاه نظامی مشترکی در منطقه آمور ایجاد کنند. این پایگاه با هدف تقویت همکاری‌های دفاعی و نظامی، تمرین‌های مشترک، امنیت منطقه‌ای، مبارزه با تهدیدهای مشترک و استقرار مناطق آزاد تجاری و اقتصادی تشکیل شد. آمور در واقع نقطه‌ای برای همکاری و تبادل نظامی بین دو کشور است و در آن نیروهای زمینی و هوایرد چین و روسیه، استقرار دارند. مورد بعدی، پایگاه نظامی «پتروپاولوفسک»^۱ است که در سال ۲۰۱۸ در شهر ترتیاکوفسکی در روسیه و با هدف افزایش همکاری نظامی و تعامل میان نظامیان چین و روسیه، تأسیس شده‌است. در واقع، این موارد فقط چند مثال از پایگاه‌های نظامی مشترک چین و روسیه است و همکاری‌های بیش‌تری نیز ممکن است صورت گرفته باشد (Lachowski, 2007: 43).

همکاری‌های دوستانه میان چین و روسیه ابعاد غیرنظامی نیز داشته‌است که شامل سرمایه‌گذاری این دو کشور در زمینه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و راه‌های ارتباطی است. در همین رابطه در سال ۲۰۱۵، روسای جمهور چین و روسیه در مسکو دیدار و چندین توافق همکاری دوجانبه امضا کردند که اسناد مربوط به زیرساخت‌های حمل و نقل، مهم‌ترین آن‌ها بود. کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین، وزارت حمل و نقل روسیه، شرکت راه آهن چین و شرکت راه آهن روسیه، توافقی را پیرامون همکاری در زمینه ساخت و تأمین مالی راه آهن سریع السیر شانگهای - مسکو کردند که این توافق‌نامه، بزرگ‌ترین پروژه همکاری راه‌آهن بین دو کشور است و طول آن بیش از ۷۷۰۰ کیلومتر است. توافق سه‌جانبه دیگری در زمینه ساخت دالانی بود که روسیه در سه بخش آن شامل «دالان اقتصادی چین، مغولستان و روسیه»، «دالان اقتصادی پل زمینی اوراسیای نوین» و «دالان اقتصادی چین، آسیای مرکزی و آسیای غربی» نقش و نفوذی اساسی دارد. این توافق سه‌جانبه که تحت عنوان «راه‌آهن شمالی» امضا شد، از کوراگینو^۲ در روسیه شروع می‌شود و با عبور از کنار پروژه زغال سنگ کک‌شو در اووت مغولستان به بندر تیان‌جین^۳ در چین می‌رسد (Xinhua, 2019).

همچنین در استراتژی توسعه ابتکار کمربند و راه چین، چندین کریدور اصلی اقتصادی در نظر گرفته شده است که جایگاه روسیه در دو کریدور بسیار حائز اهمیت است. از جمله مسیر زمینی اوراسیای جدید که شامل راه‌آهن به اروپا از طریق قزاقستان، روسیه، بلاروس و لهستان

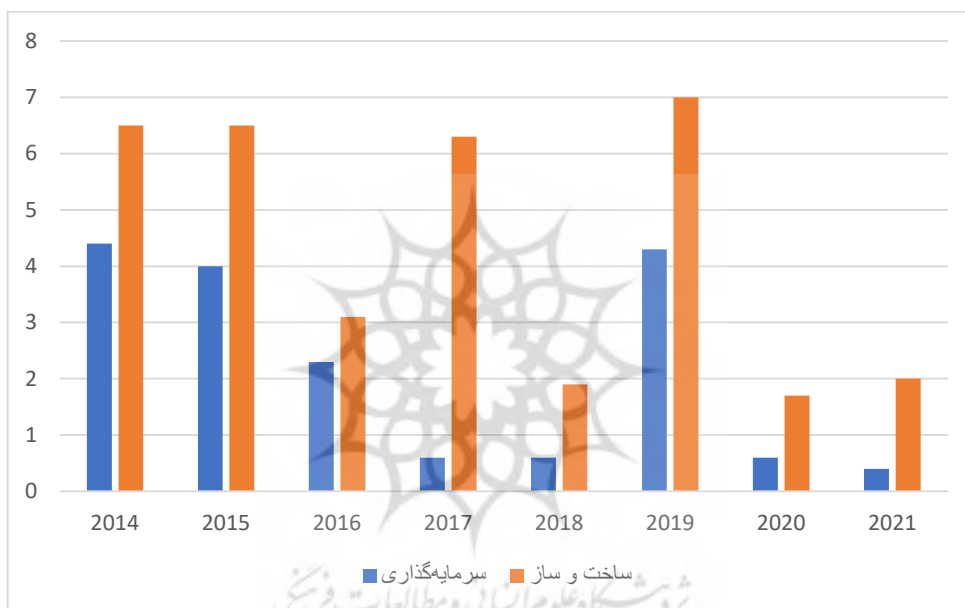
1. Petropavlovsk

2. Kuragino

3. Tian Jin

است و یا کریدور اقتصادی چین، مغولستان، روسیه که شامل اتصال چین به روسیه و از آنجا به اروپای غربی از طریق خط آهن است (OECD, 2018: 11).
نمودار زیر، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و ساخت و سازهای چین و روسیه را در طرح «یک کمربند-یک جاده» از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۳: سرمایه‌گذاری‌ها و ساخت و سازهای چین و روسیه
در ابتکار کمربند و راه (۲۰۲۱-۲۰۱۴)



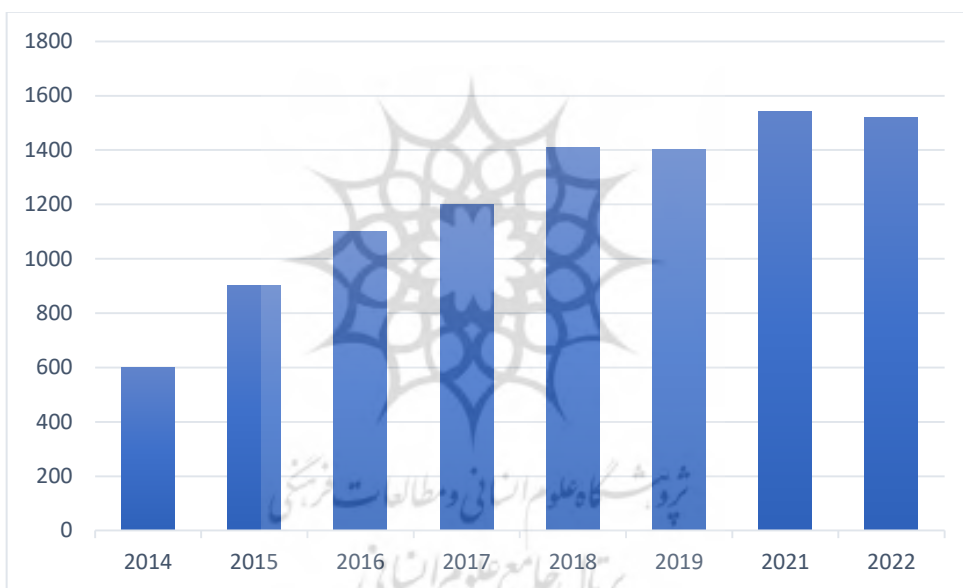
منبع: <https://donya-e-eqtesad.com/>

از دیگر حوزه‌های همکاری میان چین و روسیه، توسعه مبادلات این دو کشور در زمینه انرژی (نفت و گاز) است. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان نفت در جهان، سالانه مقدار زیادی نفت از روسیه وارد می‌کند. از جمله توافقات اقتصادی چین و روسیه، توافقی برای تأمین سوخت گازی چین به ازای ۸۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بود که این توافق‌نامه اجازه می‌داد که چین تقریباً ۳۸۰۰ میلیون متر مکعب گاز روسیه را دریافت کند. در سال ۲۰۱۸، چین به‌عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت روسیه ثبت شد. دو کشور برای توسعه

همکاری در زمینه صنعت نفت و گاز، بنادر و لوله‌های نفتی ارتباط مستمری برقرار کرده‌اند (Jochheim, 2023).

توافق ۲۰۱۴ چین و روسیه که یک توافق دوجانبه برای مشارکت در عملیات اکتشاف و تولید نفت و گاز در سیبری با ارزش تقریبی ۳۰ میلیارد دلار بود. توافق‌نامه دیگر در دسامبر ۲۰۲۰ بین دو کشور امضا شد و هدفش توسعه میدین مشترک گاز سیبری شرقی و تأسیس شرکت ملی نفتی و گازی روسیه و چین است. در نمودار زیر، میزان واردات نفتی چین از روسیه طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ قابل مشاهده است.

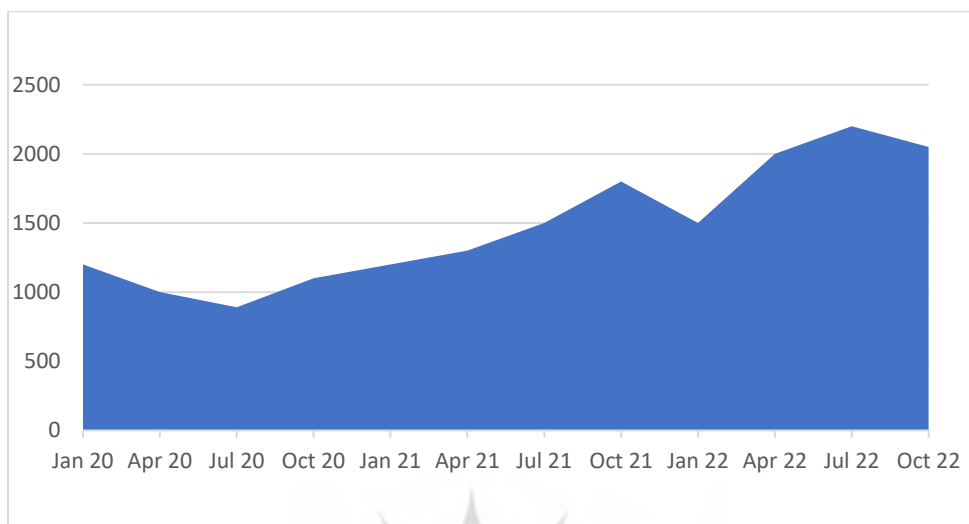
نمودار شماره ۴: حجم واردات نفتی چین از روسیه (۲۰۱۴-۲۰۲۲)



منبع: <https://www.spglobal.com>

هم‌چنین چین و روسیه در زمینه تجارت گاز با هم همکاری می‌کنند و روسیه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز در جهان، سالانه مقدار زیادی گاز به چین صادر می‌کند. در این زمینه می‌توان به توافق‌نامه ساخت لوله گاز سیبری در سال ۲۰۱۴ اشاره کرد. این پروژه به تأمین گاز طبیعی به چین از سیبری روسیه کمک می‌کند. جدول زیر واردات گاز چین از روسیه را طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲، نشان می‌دهد.

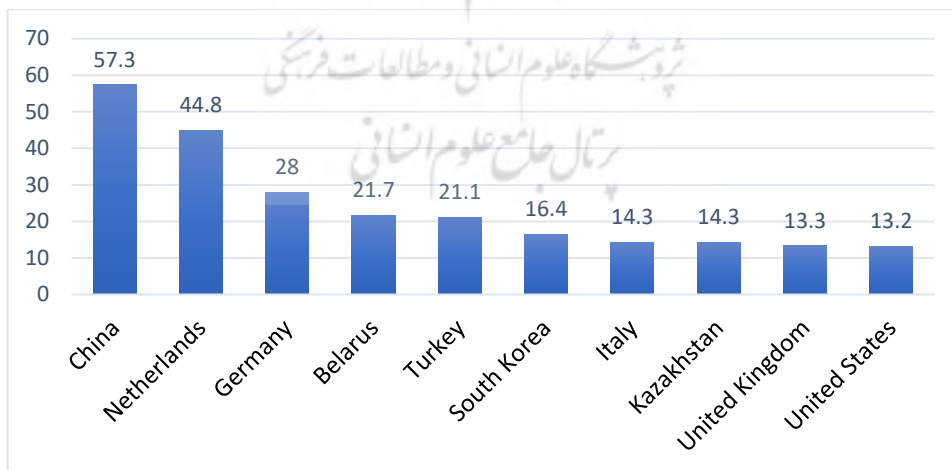
نمودار شماره ۵: حجم واردات گازی چین از روسیه (۲۰۲۰-۲۰۲۲)



منبع: <https://carnegieendowment.org/politika/89552>

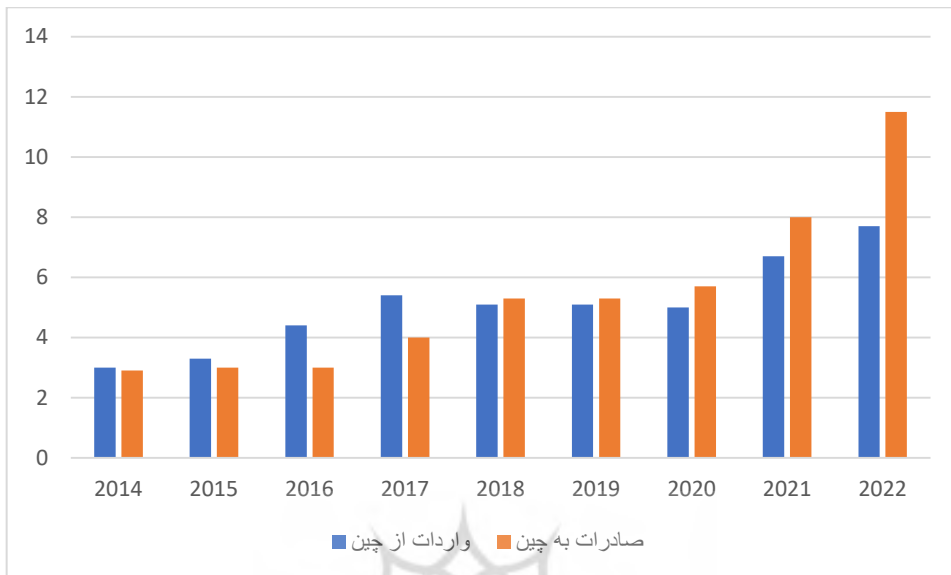
در همین زمینه بر اساس آمار منتشر شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۲۲، در نمودار زیر بزرگ‌ترین شرکای تجاری روسیه قابل مشاهده می‌باشد که چین در این میان، رتبه نخست را دارد.

نمودار شماره ۶: بزرگ‌ترین شرکای تجاری روسیه در سال ۲۰۲۲



منبع: <https://www.statista.com/chart/26948/biggest-export-partners-of-russia>

نمودار شماره ۷: حجم مبادلات تجاری چین و روسیه (۲۰۲۲-۲۰۱۴)



منبع: <http://www.customs.gov.cn/>

۳.۲ تأکید بر پاکستان به عنوان «دیگری» دوست

کشور همسایه دیگری که چین در اسناد امنیتی ملی از آن به عنوان یک کشور دوست نام برده است، پاکستان می باشد. پاکستان جزو همسایگان غربی چین به شمار می آید. پاکستان اولین کشور مسلمان و سومین کشور غیر کمونیست بود که جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت. دیدگاه چین نسبت به پاکستان به عنوان دیگری دوست، بیش تر در قالب همکاری های نظامی و امنیتی، برای حفظ امنیت منطقه ای می باشد. چین به دنبال ایجاد یک سازوکار همکاری با پاکستان در خصوص مبارزه با تهدیدهای منطقه ای مانند تروریسم و همچنین تهدیدها مربوط به هند است.

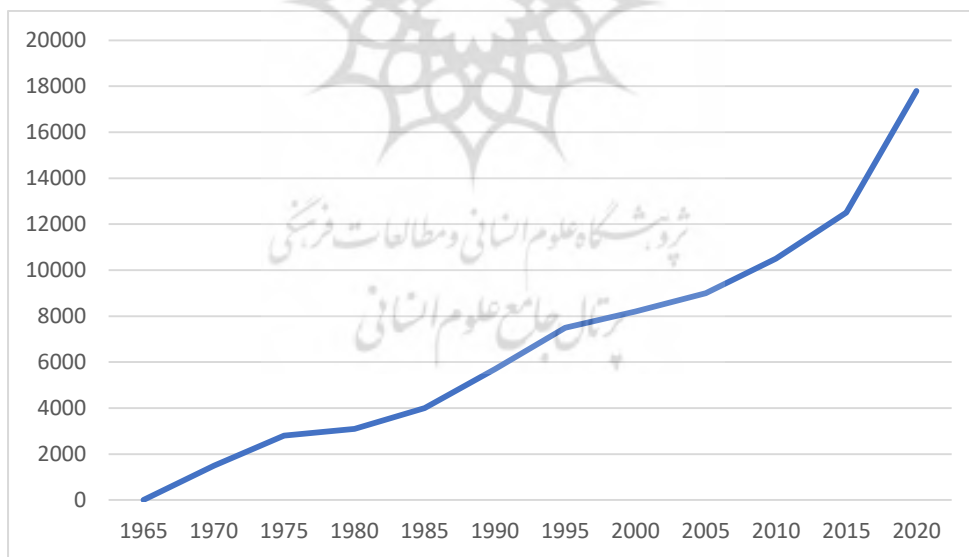
در این باره در بخشی از سند ۲۰۱۹ بیان شده است که چین تأسیس سازوکارهای همکاری را برای هماهنگ سازی همکاری ها در خصوص تروریسم و هماهنگی با نیروهای نظامی پاکستان آغاز کرده است و در این راستا، فعالانه از امنیت منطقه ای محافظت می کند» (China's National Defense in the New Era, 2019: 25). در این سند همچنین بیان شده است که چین و پاکستان به عنوان شرکای همکاری استراتژیک، اعتماد و دوستی متقابل مشترک دارند که منبع صلح، ثبات و رفاه برای منطقه و فراتر از آن است. پاکستان و چین دوستانی برای همه

فصول و برادرانی آهنین هستند و دوستی بین دو کشور ناگسستنی است. چین آماده توسعه همه جانبه مشارکت استراتژیک خود با پاکستان و برقراری روابط نزدیک‌تر در دوره جدید روابط دو کشور است (China's National Defense in the New Era, 2019: 26).

در واقع، پاکستان ابزار سیاست خارجی چین برای مهار و مدیریت رقابت با هند بوده‌است. بنابراین روابط استراتژیک دو کشور چین و پاکستان بر مبنای محاسبات واقع‌بینانه ژئواستراتژیک ناشی از این تهدید مشترک (هند) شکل گرفته‌است. چین از موضع پاکستان در مورد کشمیر حمایت می‌کند و در مقابل پاکستان نیز از چین در مورد مسائل سین کیانگ، تبت و تایوان حمایت می‌کند. هم‌چنین چین طیف وسیعی از تسلیحات مدرن را برای نیروهای دفاعی پاکستان فراهم می‌کند (فرزین‌نیا و ایاز، ۱۳۹۵).

همچون روسیه، پاکستان نیز در حوزه همکاری‌های نظامی و امنیتی برای چین به‌عنوان دوست بازنمایی شده‌است. در نمودار زیر ارزش تسلیحات منتقل شده به پاکستان توسط چین نمایش داده شده‌است.

نمودار شماره ۸: ارزش تجمعی تسلیحات منتقل شده به پاکستان توسط چین (۱۹۶۵-۲۰۲۰)



در کنار فروش تسلیحات بسیاری از توافق‌نامه‌های نظامی نیز میان دو کشور به امضا رسیده‌است که به‌عنوان مثال می‌توان به مواردی زیر اشاره کرد:

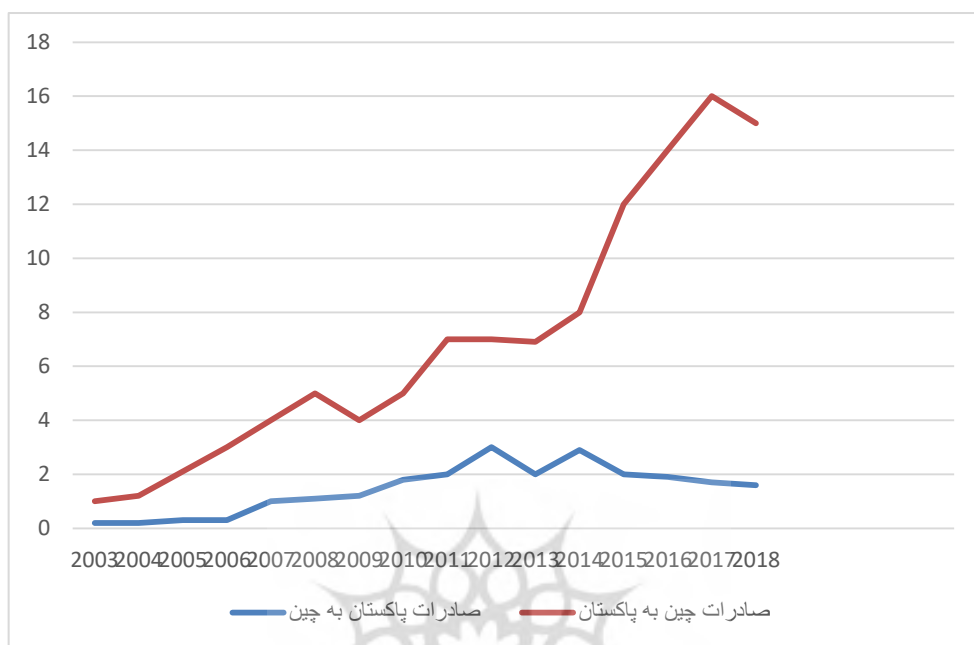
۱. توافق‌نامه همکاری نظامی استراتژیک چین و پاکستان در سال ۲۰۰۵ با اهداف تقویت همکاری نظامی، تبادل اطلاعات، توسعه قابلیت‌های نظامی، تمرین‌های مشترک و ایجاد ارتباطات نظامی میان دو کشور؛

۲. توافق‌نامه فن‌آوری ماهواره‌ای در سال ۲۰۱۶ با هدف توسعه و استفاده مشترک از فن-آوری‌های ماهواره‌ای در زمینه‌هایی از جمله ماهواره نظامی، ماهواره‌های جاسوسی و ارتباطات فضایی؛

۳. توافق‌نامه هوایی نظامی در سال ۲۰۱۹ با هدف توسعه همکاری در زمینه هوایی و تبادل تجربیات نظامی میان نیروهای هوایی چین و پاکستان (Lalwani, 2023).

در کنار همکاری‌های نظامی همکاری اقتصادی نیز در اولویت دوم قرار دارند. به‌عنوان مثال در جریان سفر سال ۲۰۱۵ شی جین‌پینگ نیز به پاکستان، دو کشور بیش از ۵۰ سند به شمول توافق‌نامه کریدور اقتصادی چین-پاکستان (سی‌پک) پیوند دهنده استان شین جیانگ چین با بندر عمیق گوادر پاکستان با طرح‌های جانبی به ارزش ۴۶ میلیارد دلار به امضاء رساندند. این تعهد سرمایه‌گذاری که تا کنون به ۶۲ میلیارد دلار افزایش یافته‌است، جریان تازه‌ای از ورود سرمایه چینی به پاکستان خلق کرده‌است. چین در چارچوب کریدور اقتصادی چین-پاکستان موسوم به سی‌پک (CPEC) متعهد به سرمایه‌گذاری و توسعه طرح‌های توسعه زیرساخت‌های اساسی نظیر بندر گوادر و هم‌چنین شبکه منسجم جاده‌ای و ریلی، نیروگاه‌های آبی و حرارتی و پروژه‌های معدن، الکترونیک و انرژی هسته‌ای شده‌است. چین با گنجاندن سی‌پک به‌عنوان طرحی نمادین و برجسته در چارچوب ابتکار بلند پروازانه کمربند و جاده خود روابط دوجانبه دو کشور را از «دوستی تمام فصول» به «شرکای همکاری راهبردی تمام فصول» ارتقاء داد (Irshad and et.al, 2015). ابتکار سی‌پک به‌عنوان بخشی از ابتکار جاده ابریشم، از مبدا آن در بندر گوادر در جنوب غربی پاکستان تا مقصد آن در شهر کاشغر واقع در استان سین جیانگ در غرب چین امتداد می‌یابد که شامل سه بخش مهم و موازی خطوط حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و خط لوله‌های انتقال انرژی است و عملیات احداث خطوط جاده‌ای است (کتابی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۳).

نمودار شماره ۹: مبادلات تجاری چین و پاکستان (۲۰۰۳-۲۰۱۸)



منبع: 7: The China-Pakistan economic corridor and the growth of trade, 2020

۳- بررسی «دیگری رقیب» در سیاست خارجی چین با تأکید بر اسناد امنیتی ملی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹

با توجه به بررسی محتوایی اسناد ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹ چین، می‌توان این گونه بیان کرد که برای این کشور هند و ژاپن به‌عنوان مهم‌ترین رقبای چین در سطح منطقه و ایالات متحده آمریکا نیز به‌عنوان مهم‌ترین رقیب جهانی این کشور محسوب می‌شود. در این مقاله از میان این سه کشور، تنها به شاخص‌های رقابت میان چین و ژاپن پرداخته می‌شود، کشوری که همسایه دور شرقی چین به‌شمار می‌آید و با چین مرز آبی (معروف به دریایی شرقی چین یا دریای ژاپن) به طول ۱۳۰۰ کیلومتر دارد. در رابطه با ژاپن در سند ۲۰۱۵ بیان شده‌است که سیاست‌های نظامی و امنیتی ژاپن باعث توسعه نگرانی‌های شدیدی در میان کشورهای منطقه شده است (China's Military Strategy, 2015: 4). در سند ۲۰۱۹ نیز به اقدامات ژاپن برای تقویت حضور نظامی و ائتلاف‌های نظامی در حوزه آسیا و اقیانوسیه اشاره شده و چین این موضوع را موجب افزایش عدم قطعیت در منطقه دانسته‌است. همچنین در این سند بیان شده‌است که

ژاپن با دخالت و نفوذ خود در دریای شرقی (دریای ژاپن)، رقابت خود را با چین گسترش داده است (China's National Defense in the New Era, 2019: 5-6).

در این مبحث بر اساس الگوی رقابتی ونت، ابتدا به بررسی حوزه‌های رقابت میان دو کشور و سپس به بررسی حوزه‌های منافع مشترک میان آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱.۳ بررسی حوزه‌های رقابت چین و ژاپن (۲۰۲۲-۲۰۱۴)

مهم‌ترین حوزه‌های رقابت چین و ژاپن شامل «رقابت‌های اقتصادی»، رقابت بر سر مالکیت جزایر «دریای چین شرقی»^۱ و همچنین رقابت بر سر «منطقه‌گرایی» می‌باشد.

شکل شماره ۱: مهم‌ترین حوزه‌های رقابت چین و ژاپن



منبع: نویسندگان

رقابت‌های اقتصادی میان چین و ژاپن شامل موارد زیر می‌شود:

۱. نفت و انرژی: چین و ژاپن به میزان زیادی، به واردات نفت و سایر منابع انرژی از خارج نیاز دارند. رقابت بین این دو کشور در جست‌وجوی منابع انرژی و هم‌چنین دستیابی به قراردادهای منابع انرژی با کشورهای دیگر اهمیت زیادی دارد.

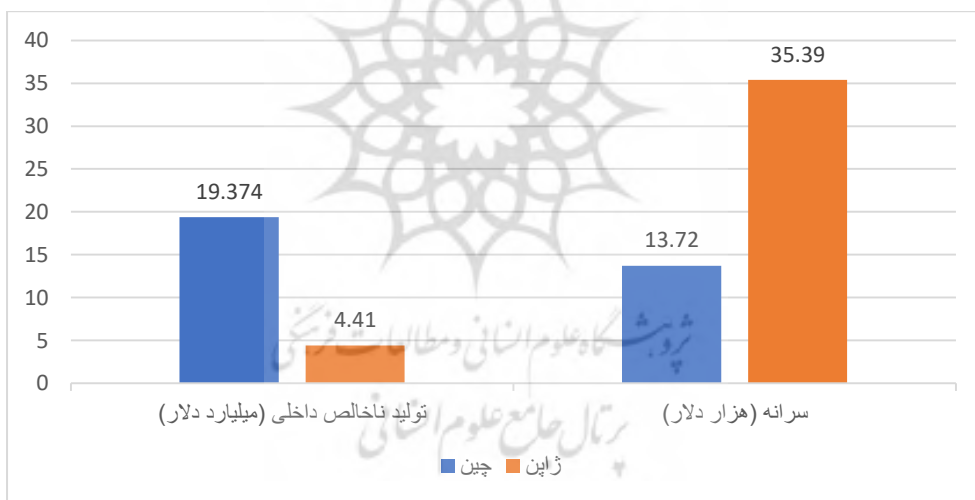
¹. China's East Sea

۲. فن آوری و نوآوری: چین و ژاپن هر دو در حوزه فن آوری و نوآوری به عنوان دو قدرت بزرگ شناخته می شوند. هر دو کشور در ترقی و توسعه فن آوری های پیشرفته نقش مهمی ایفا می کنند و به دنبال کسب عنوان رهبر صنعتی در بخش هایی نظیر هوش مصنوعی، اینترنت و رباتیک هستند.

۳. سرمایه گذاری خارجی: چین و ژاپن دو کشوری هستند که به عنوان سرمایه گذاران خارجی فعالیت های بسیاری در سراسر جهان دارند. این دو کشور به دنبال تأمین منابع مهم و بازارهای جدید برای توسعه اقتصادی خود هستند و بیش تر به دنبال تمرکز بر مناطق آمریکا لاتین، آفریقا و منطقه خاورمیانه هستند.

۴. رقابت در بازار خودرو: چین و ژاپن، هر دو یک بازار خودرو پرقابیت داخلی دارند و تولیدکنندگان خودروهای بزرگی در درگیری هستند تا به ترتیب در داخل و خارج از کشورهای خود، بازار خودرو را به تسخیر بگیرند (Kemenade, 2006).

نمودار شماره ۱۰: بررسی تولید ناخالص داخلی و سرانه چین و ژاپن در سال ۲۰۲۳



منبع: <https://unctad.org/>

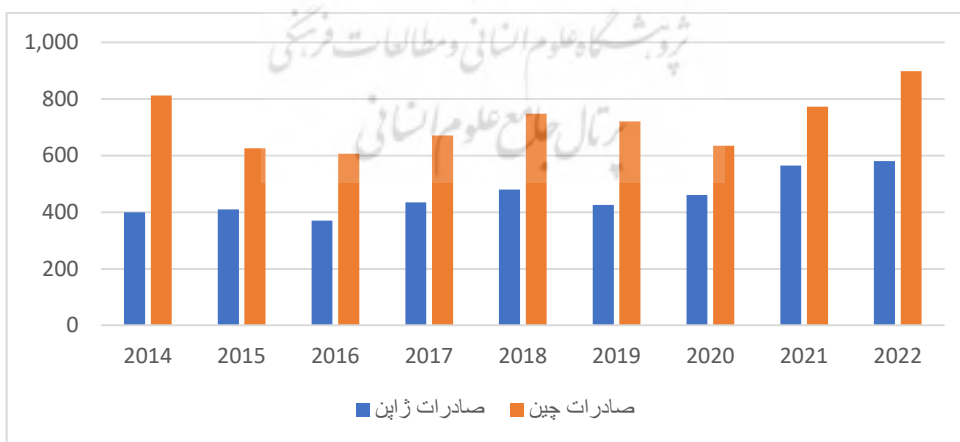
ژاپن همچنین در مقابل طرح «کمر بند-راه» شی جین پینگ، دست به طرح ابتکارات نهادی-اقتصادی جامعی در سرتاسر جهان به خصوص آسیا زده است. این طرح ها عبارت اند از: طرح «مشارکت برای زیرساخت کیفی» که در ۲۱ مه ۲۰۱۵ توسط نخست وزیر وقت ژاپن، شینزو آبه اعلام شد و اظهار می داشت که حمایت از کسب و کار شرکت های ژاپنی در فراسوی

دریاها و پیش‌برد صادرات سیستم‌های زیرساختی پیشرفته، از ستون‌های استراتژی رشد بوده و ژاپن بایستی برای رشد و کامیابی، آن‌ها را از طریق انواع همکاری‌ها با کشورهای جهان به‌دست آورد (Abe, 2013).

از جمله دیگر طرح‌های ژاپن، طرح «استراتژی اتصال اروپا-آسیا» بود که در واقع ژاپن به همراه شرکای اروپایی خود با تأکید بر اتصال پایدار در طرح مذکور، رقابت اقتصادی با چین را به مرحله جدیدی رساند. ژاپن با مشارکت هند، طرح کریدور آسیا-آفریقا را با هدف دستیابی وسیع با بازار مصرفی آفریقا مطرح نمود تا از این طریق دسترسی خود را بر تمامی نقاط جهان تسری بخشد. این طرح از طریق ۱۸ کشور از جمله ایران، عملاً به عنوان طرحی رقیب برای طرح «کمربند-راه» چین در قاره آفریقا محسوب می‌گردد (Chan, 2018).

یکی دیگر از حوزه‌های رقابت اقتصادی چین و ژاپن، صادرات خارجی این دو کشور است. صادرات، بخش عمده‌ای از درآمدهای اقتصادی چین و ژاپن را به خود اختصاص می‌دهد. هر دو کشور تولیدات بسیار گسترده‌ای را صادر می‌کنند که در سطح جهانی، تقاضا و توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده‌اند. به‌طور کلی، رقابت بین چین و ژاپن در حوزه صادرات خارجی یک رقابت فراگیر و چالش‌برانگیز است که در آن هر کشور تلاش می‌کند همان‌طور که بیش‌ترین سهم از بازار جهانی را به خود اختصاص می‌دهد، عملکرد بهتری نسبت به رقبای خود داشته باشد. در نمودار زیر حجم صادرات خارجی چین و ژاپن را طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۲ مشاهده می‌کنیم.

نمودار شماره ۱۱: صادرات خارجی چین و ژاپن (۲۰۱۴-۲۰۲۲)



منبع: <https://trendeconomy.com/data/h2/Japan/TOTAL>

در کنار رقابت‌های اقتصادی از دیگر حوزه‌های رقابت میان دومین و سومین اقتصاد بزرگ دنیا، مناقشه بر سر جزایر کوچک واقع شده در «دریای چین شرقی»^۱ است که در کنترل ژاپن می‌باشد اما چین نیز ادعای مالکیت بر این جزایر و آب‌های اطرافش را دارد. دریای چین شرقی، دریای نیمه بسته‌ای با مساحت ۱,۲۵۰,۰۰۰ کیلومتر مربع می‌باشد که بین ساحل شرقی چین و اقیانوس قرار گرفته‌است که از غرب به سرزمین اصلی چین، از شرق به جزایر ریوکیو ژاپن و از جنوب به تایوان محدود می‌باشد. از طریق تنگه تایوان با دریای چین جنوبی و با تنگه بین ژاپن و کره جنوبی به دریای ژاپن متصل می‌شود. منطقه مورد اختلاف چین و ژاپن حدود ۲۱۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است که نشان‌دهنده هم‌پوشانی ادعای دو کشور بر سر مناطق انحصاری اقتصادی می‌باشد (Drifte, 2008).

این منطقه از مراکز مهم ماهی‌گیری می‌باشد. هم‌چنین احتمال داده می‌شود که دارای منابع عظیم نفت و گاز باشد. منابع نفتی آن را ۲۱۳ میلیارد بشکه، که ۱۰ برابر بیش‌تر از ذخایر خلیج مکزیک می‌باشد و منابع گاز آن نیز ۲۵۰ تریلیون فوت مکعب تخمین می‌زنند. بنابراین این شرایط باعث می‌شود تا رقابت و منازعه‌ای میان این دو کشور بر سر مالکیت این جزایر ایجاد شود (Jamejam, 2012).

همان‌گونه که بیان شد حوزه سوم رقابت میان چین و ژاپن رقابت در قالب فرامنطقه‌گرایی در مقابل یکدیگر است. اگرچه ژاپن به واسطه وسعت و جمعیت اندک، توانایی کم‌تری در این حوزه در مقابل چین دارد، اما این کشور طرح‌ها و ابتکارات زیادی را در راستای تحدید فعالیت چین، عملی ساخته‌است.

به‌عنوان مثال طرح اقیانوس هند آرام و آزاد همگانی (آسیا و آفریقا) و «الماس امنیتی آسیایی»^۲ در مقابل «ابتکار کمربند-راه»^۳ چین توسط ژاپن یکی از این اقدامات می‌باشد. ابتکار «یک کمربند، یک جاده» برای اولین بار توسط شی جین‌پینگ در جریان یک سفر رسمی به قزاقستان در سپتامبر ۲۰۱۳ مطرح شد. اساس این ابتکار بر احیاء شبکه راه‌های تجاری زمینی و دریایی چین باستان واقع شده‌است. یک ماه بعد از اعلام کمربند اقتصادی راه ابریشم برای آسیای مرکزی، رئیس‌جمهور چین، راه ابریشم دریایی قرن ۲۱ را نیز مطرح ساخت. در ژاپن نیز شینزو آبه رهبر حزب لیبرال دموکراتیک در سال ۲۰۱۲ به‌عنوان نخست‌وزیر ژاپن، از

1. China's East Sea

2. Asian Security Diamond

3. Belt Road Initiative

سوی مجلس این کشور انتخاب شد. وی طی سفری که در سال ۲۰۱۷ به اندونزی داشت به رئیس جمهور اندونزی پیشنهاد داد تا جهت مقابله با ابتکار کمربند و راه چین، به «راهبرد هند آرام آزاد و باز»^۱ بپیوندد. این راهبرد، دو قاره آسیای در حال رشد سریع، آفریقای مدعی رشد عظیم و دو اقیانوس هند و آرام را در بر می‌گیرد.

در همین راستا، شینزو آبه اظهار داشت که ژاپن مسئولیت ارتقای ادغام اقیانوس هند، آرام و آسیا آفریقا را برای احترام به آزادی، حکم‌رانی قوانین، اقتصاد بازار، رهایی از زور و اجبار و رفاه این قاره بر عهده دارد. بنابراین ژاپن به همراهی آفریقا، به‌دنبال پیوند دو قاره به اقیانوس‌های صلح آمیز با حاکمیت قانون است. مفهوم «الماس امنیتی آسیایی»^۲ ژاپن، محصول افکار نخست وزیر این کشور به‌عنوان پاسخی راهبردی به سایه‌های تهدیدآمیز دریایی چین در غرب اقیانوس آرام و اقیانوس هند است. این مفهوم ابتدا توسط شینزو آبه مطرح شد (سازمند و رمضان، ۱۳۹۷: ۷۱-۶۷). الماس امنیتی آسیایی در واقع یک استراتژی برای حفاظت از مشترکات دریایی از منطقه اقیانوس هند تا غرب اقیانوس آرام می‌باشد و کشورهای ژاپن، ایالات متحده، هند و استرالیا هر یک از نقاط این الماس مورد انتظار را تشکیل می‌دهند. شینزو آبه استدلال می‌کند که اجبار چین در هر دو دریای چین شرقی و جنوبی مستقیماً منافع و ارزش‌های این چهار کشور را تهدید می‌کند. بنابراین آن‌ها باید با هم مانع تبدیل شدن دریای چین جنوبی به «دریاچه بیجینگ» که چینی‌ها از آن برای استقرار ناوهای هواپیمابر و زیردریایی‌های تهاجمی هسته‌ای با قابلیت پرتاب موشک با کلاهک هسته‌ای با هدف ایجاد رعب و وحشت در منطقه استفاده خواهند کرد، جلوگیری نمایند (Lee, 2016: 2).

۲.۳) بررسی حوزه‌های منافع مشترک چین و ژاپن

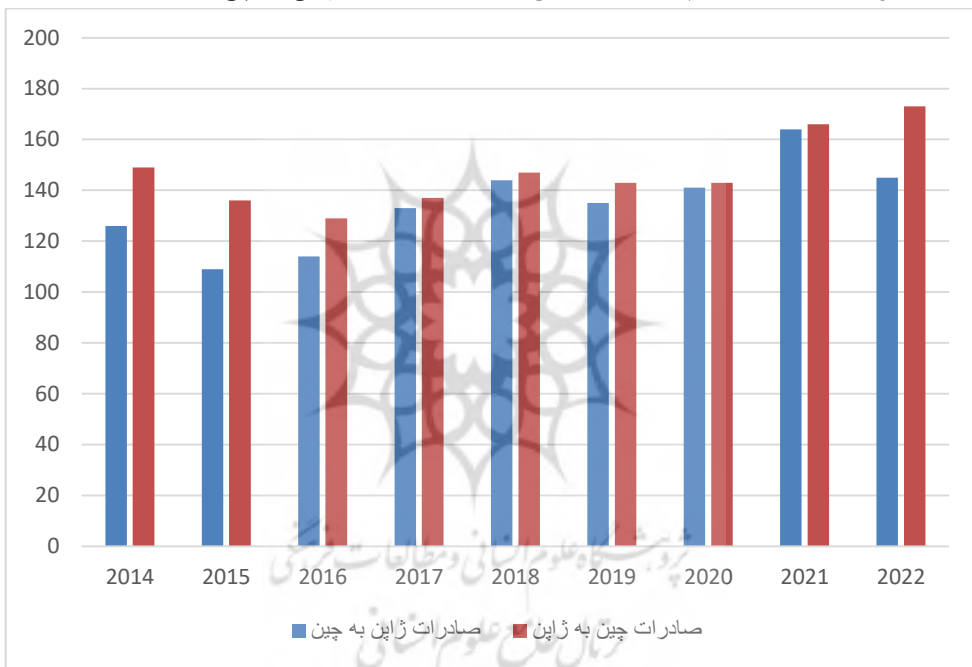
- حوزه اقتصاد: چین و ژاپن در حوزه اقتصاد هم‌زمان رقابت و همکاری را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر در حالی که در این حوزه هر دو کشور دارای رقابت‌های جدی هستند که در مبحث قبل نیز به آن اشاره شد، اما دارای منافع مشترک نیز هستند. به‌عنوان مثال، این دو کشور به عنوان دو کشوری با قدرت اقتصادی و ظرفیت فن‌آوری بالا تمرکز زیادی بر توسعه همکاری‌های گسترده در زمینه فن‌آوری، نوآوری، تحقیق و توسعه، و همچنین سرمایه‌گذاری مشترک و تجارت داشته‌اند و تلاش کرده‌اند که روابط تجاری خود را تقویت کنند. به‌عنوان

^۱ Free and Open Indo-Pacific Strategy

^۲ Asian Security Diamond

مثال، در سال ۲۰۱۵، یک توافق مبادلات ارزی بعد از بیست سال بین دو کشور ایجاد شد که منجر به افزایش تجارت میان آن‌ها شد (Alvstam and et.al, 2009). در واقع ژاپن بعد از آمریکا و هنگ کنگ سومین مقصد و شریک تجاری چین برای صادرات کالا است. این کشور نزدیک به ۶ درصد از کالاهای صادراتی چین را پذیرا می‌شود و درآمدی بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار برای چین ایجاد می‌کند. در میان شرکای تجاری ژاپن نیز چین جایگاه اول را دارد (World Bank, 2022). نمودار زیر حجم تجارت دوجانبه چین و ژاپن را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱۲: حجم مبادلات تجاری و صادرات دوجانبه چین و ژاپن (۲۰۱۴-۲۰۲۲)



منبع: <https://tradingeconomics.com/japan/exports/chin>

- همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: چین و ژاپن در برخی از زمینه‌های بین‌المللی مانند تجارت و سرمایه‌گذاری، تبادلات فرهنگی، مشارکت در برابر تهدیدهای امنیتی، محیط زیست و در زمینه تحقیقات علمی و فن‌آوری با یکدیگر همکاری می‌کنند. چین و ژاپن در مقابله با چالش‌های منطقه‌ای نیز دارای منافع مشترک هستند. این دو کشور برای مقابله با تهدیدهای امنیتی و همچنین حفظ پایداری و امنیت منطقه همکاری می‌کنند و روابط خود را در

چارچوب آ.سه.آن، منطقه آسیا-اقیانوسیه و اتحادیه آسیای شرقی تقویت می‌کنند. از جمله این تهدیدهای امنیتی شامل تهدیدهای نظامی، سایبری (حمله به سامانه‌های ارتباطی و شبکه‌های بانکی و ...)، تروریست دریایی (تخلف از قوانین دریایی، توسعه نیروی دریایی و تصرف جزایر اطراف چین و ژاپن) و قاچاق مواد مخدر می‌باشد. از جمله همکاری‌های مشترک چین و ژاپن برای مقابله با این تهدیدهای مشترک امنیتی، تقویت همکاری در منطقه دریایی، همکاری نظامی، همکاری جهت مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر و غیره بوده است.

- عضویت در سازمان‌های مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی: چین و ژاپن به‌عنوان دو قدرت بزرگ منطقه شرق آسیا در سازمان‌های منطقه‌ای هم‌چون آسه‌آن^۱، کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه^۲ و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳، سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک^۴ و هم‌چنین در سازمان‌های بین‌دولتی مانند گروه بیست و نه عضو هستند و دو کشور تلاش کرده‌اند روابط خود را با سایر کشورهای منطقه را تقویت کرده و رویکردهای چندجانبه را به ارمغان بیاورند.

۵- بررسی «دیگری دشمن» در سیاست خارجی چین با تأکید بر اسناد امنیتی ملی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۹

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و مطابق با آن چه که در اسناد امنیتی ملی چین آمده‌است، چین در سند دفاع ملی ۲۰۱۵، مهم‌ترین تهدیدها علیه امنیتی ملی خود را به چهار بخش تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

۱. نیروهای استقلال طلب تایوان به مثابه بزرگ‌ترین و فوری‌ترین تهدید؛
۲. شکاف رو به گسترش تکنولوژیک میان کشورهای مختلف دنیا در حوزه نظامی؛
۳. چالش جهانی شدن، به خصوص بی‌مرز شدن و فراملی شدن تهدیدها، به مثابه نیمه تاریک جهانی شدن؛
۴. تداوم یک‌جانبه‌گرایی و پررنگ شدن آن در قیاس با چندجانبه‌گرایی (China's Military Strategy, 2015).

¹. Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

². United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

³. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

⁴. Asia Pacific Economic Cooperation (APEC)

بنابراین مطابق با اسناد امنیتی ملی، یکی از مهم‌ترین تهدیدها علیه امنیت چین به‌عنوان «دیگری دشمن» نیروهای جدایی‌طلب و حامی استقلال تایوان می‌باشد. در همین رابطه، در بخشی از سند امنیتی ملی ۲۰۱۵ چین بیان شده‌است که نیروهای جدایی‌طلب استقلال تایوان و فعالیت‌های آن‌ها هم‌چنان بزرگ‌ترین تهدید برای این کشور به‌حساب می‌آیند (White Paper, 2015: 4). هم‌چنین در سند ۲۰۱۹ نیز بیان شده‌است که چین به هیچ وجه گزینه استفاده از زور را در صورت لزوم در آینده برای الحاق مجدد تایوان به چین کنار نمی‌گذارد. چین مجدداً متحد خواهد شد و باید این گونه شود. چین از عزم راسخ و قابلیت لازم برای حراست از حاکمیت ملی خود برخوردار بوده و هرگز اجازه جدا شدن هیچ یک از بخش‌های خاک خود توسط هیچ کسی را نخواهد داد (China's National Defense in the New Era, 2019:3).

این در حالی است که رهبران و مقام‌های حزب پیشرفت دموکراتیک تایوان به شدت به استقلال تایوان پای‌بند هستند و موافقت‌نامه سال ۱۹۹۲ را که بر چین واحد استوار است، به رسمیت نمی‌شناسند. آن‌ها با تشدید تلاش‌ها برای قطع ارتباط خود با سرزمین اصلی به نفع استقلال تدریجی، با پافشاری بر استقلال قانونی، تشدید خصومت و مخالفت با قدرت نفوذ خارجی از جدایی‌طلبی فراتر رفته‌اند. بنابراین حل مسئله تایوان و دستیابی به اتحاد کامل کشور در راستای منافع اساسی ملت چین است. مطابق با سند ۲۰۱۵، چین در خصوص تایوان به اصول «احیای یکپارچگی مسالمت‌آمیز» بر پایه «یک کشور، دو سیستم» پای‌بند است و با عزمی راسخ با هرگونه تلاش یا اقداماتی برای تجزیه کشور و هرگونه دخالت خارجی در این مورد مخالف خواهد بود، حتی اگر موضوع به یک درگیری نظامی نیز منتهی شود (China's National Defense in the New Era, 2019:5-7).

در خصوص مساله تایوان و بازنمایی نیروهای جدایی‌طلب این منطقه به‌عنوان «دیگری دشمن» برای چین، بررسی مواضع سیاسی و استراتژیک آمریکا نقش بسیار مهمی دارد. آمریکا همواره تایوان را به‌عنوان یک شریک استراتژیک می‌بیند و به این دلیل از تحریم‌هایی علیه تایوان و تأمین تسلیحات و کمک‌های نظامی به آن خبر می‌دهد. این در حالی است که چین این اقدامات آمریکا را به‌عنوان دخالتی در امور داخلی خود می‌بیند (سلیمی، ۱۴۰۱)؛ چرا که از نظر پکن طبق «اصل چین واحد»^۱ تنها یک چین در جهان وجود دارد و تایوان بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو چین بوده و دولت جمهوری خلق چین تنها دولت قانونی است که

¹. One China Principle

نماینده کل چین است. در همین راستا، مقامات چینی بر قطعنامه ۲۷۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱ اشاره می کنند.

مهم ترین اقدامات خارجی چین برای مواجهه با نیروهای استقلال طلب تایوان عبارت است از:
۱- ایجاد تحریم ها و محدودیت های اقتصادی علیه تایوان؛ در این حوزه می توان به مواردی زیر اشاره کرد:

- ممنوعیت همکاری های صنعتی با این کشور؛ چین برخی از صنایع خاص را هدف قرار داده و همکاری با تایوان را در آن ها متوقف کرده است. به عنوان مثال در صنایع هواپیماسازی و ارتباطات فضایی که تایوان در آن ها توانمندی بالایی دارد چین ممنوعیت همکاری خود را با این بخش ها انجام داده است.

- محدودیت صادرات و واردات: از جمله تحریم های چین علیه تایوان، شامل اعمال یکسری محدودیت های بر روی صادرات و واردات این کشور می باشد. این محدودیت ها شامل تعرفه های بالای گمرکی و ممنوعیت صادرات برخی از محصولات تایوانی در سال ۲۰۱۶ بوده است. هم چنین چین صادرات برخی از لوازم و قطعات الکترونیکی توسط تایوان را نیز تحریم کرده است (Lai, 2022).

- محدودیت های سفر: از زمانی که ممنوعیت سفر گردشگران چینی به تایوان در سال ۲۰۰۸ لغو شد، تعداد گردشگران هر ساله افزایش یافته است و از ۱.۲۳ میلیون در سال ۲۰۱۰ به ۳.۳۴ میلیون در سال ۲۰۱۵ رسیده است. زمانی که در سال ۲۰۱۶ مجدداً تحریم ها اعمال شد تعداد گردشگران به ۲.۸۵ میلیون نفر کاهش یافت و دو واقع از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است. محدودیت هایی که چین در سفر شهروندان چینی به تایوان اعمال کرده، تجارت و گردشگری بین دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است (Arata, 2022, 5).

۲- تلاش های بین المللی چین در جهت توقف رسمیت دادن به تایوان؛ چین همواره در تلاش بوده است تا مانع از شناخت تایوان به عنوان یک کشور مجزا در سطح بین المللی شود. به عنوان مثال، می توان به ممانعت چین از عضویت تایوان در سازمان ملل متحد، شرکت در سازمان های جهانی و حتی ورود تایوان به توافقات تجاری بین المللی اشاره کرد (Brown and et.al, 2018).

۳- تهدیدهای نظامی چین علیه تایوان؛ از جمله مهم ترین اقدامات چین برای مقابله با جریانات جدایی طلب تایوان، تهدید به زور و استفاده از قوای نظامی می باشد. با وجودی که

چین خواستار حل و فصل مسالمت آمیز مسائل است اما استفاده از قدرت نظامی را نیز به طور مطلق کنار نمی گذارد. از جمله تهدیدهای نظامی چین علیه تایوان، می توان به رزمایش های نظامی این کشور در اطراف تایوان و اعزام کشتی و هواپیمای نظامی جنگنده به تنگه تایوان به نشانه اخطار شدید اشاره کرد. تعهد چین به استفاده از زور در قانون ضد جدایی این کشور در سال ۲۰۰۵ آمده است. این سند که تحت رهبری رهبر سابق هو جین تائو تصویب شد، بر عزم چین برای استفاده از وسایل غیر صلح آمیز به عنوان آخرین راه حل برای جلوگیری از ایجاد استقلال رسمی تایوان تأکید می کند. این قانون، پکن را متعهد می کند که با حداکثر صداقت برای دستیابی به یک اتحاد مسالمت آمیز با تایوان، تمام تلاش خود را انجام دهد. با این حال، این قانون بیان می دارد که در مورد جدایی تایوان از چین، یا اگر جمهوری خلق چین به این نتیجه برسد که فرصت های اتحاد مسالمت آمیز تمام شده است، دولت باید از ابزارهای غیر صلح آمیز و سایر اقدامات لازم برای حفاظت از حاکمیت و تمامیت ارضی چین استفاده کند (Ministry of National Defense PRC, 2005). به عنوان مثال، در یک سخنرانی در ژانویه ۲۰۱۹، رئیس جمهور شی گفت که در حالی که چین مایل است فضای وسیعی برای اتحاد مجدد مسالمت آمیز ایجاد کند، اما هیچ جایی برای هر شکلی از فعالیت های جدایی طلبانه باقی نخواهد گذاشت. وی تصریح کرد که دولت چین هیچ قولی مبنی بر چشم پوشی از توسل به زور نخواهد داد و گزینه استفاده از تمام ابزارهای لازم را برای این کشور محفوظ است (China Daily, 2019).

نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی انواع «دیگری» دوست، دشمن و رقیب در سیاست خارجی چین با توجه به اسناد امنیتی ملی ۲۰۱۵. ۲۰۱۹ این کشور در بازه زمانی (۲۰۲۲-۲۰۱۴) بود. با بررسی محتوایی این اسناد، به این نتیجه رسیدیم که برای دولت چین کشورهای روسیه و پاکستان به عنوان «دیگری» دوست، کشورهای ژاپن، هند و آمریکا به عنوان «دیگری» رقیب و جریانات جدایی طلب تایوان به عنوان «دیگری» دشمن بازنمایی و تعریف شده است. لذا در بحث نتیجه گیری به بررسی آینده جهت گیری سیاست خارجی چین در نظام بین الملل با توجه به در نظر گرفتن انواع «دیگری» می پردازیم. در همین راستا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- در جهت گیری آینده سیاست خارجی چین نقش رقبا به ویژه ایالات متحده اهمیت کلیدی دارد. در همین حوزه رقابت های ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک چین با رقبا

خود از جمله هند، ژاپن و به ویژه آمریکا بسیار اهمیت دارد. در این میان یکی از حوزه‌های رقابت چین با آمریکا در خصوص نظم سازی موازی بین‌المللی با این کشور خواهد بود.

- در جهت‌گیری آینده سیاست خارجی چین نقش وابستگی متقابل اقتصادی چین با رقبای خود نیز بسیار تعیین کننده می باشد. به این معنا که این وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهایی چون آمریکا و یا ژاپن می‌تواند در بدترین حالت منجر به جنگ‌های تجاری و اقتصادی چین با رقا شود و مانع از رویارویی مستقیم نظامی است. بنابراین احتمال جنگ مستقیم نظامی در آینده سیاست خارجی چین با رقبای خود بسیار پایین است.

- نکته سوم در جهت‌گیری آینده سیاست خارجی چین در ارتباط با رقا نقش موازنه داخلی این کشور در قالب توانمندسازی اقتصادی و موازنه خارجی این کشور در قالب دیپلماسی اقتصادی با رقا و استفاده از نهادگرایی منطقه‌ای در جهت محدود کردن آن‌هاست (به عنوان مثال محدود کردن سیاست نگاه به شرق آمریکا). در همین راستا می‌توان از نقش قدرت نرم این کشور و استفاده از دیپلماسی هوشمند (برگزاری المپیک پکن و یا نمایشگاه اکسپوی چین) در جهت کنترل رقا و جذب دولت‌های بی‌طرف نیز صحبت کرد.

- در جهت‌گیری آینده سیاست خارجی چین مساله امنیتی و سیاسی تایوان به ویژه در روابط چین با آمریکا بسیار مهم خواهد بود.

- نهایتاً در جهت‌گیری آینده سیاست خارجی چین حفظ همکاری‌ها و حفظ سیاست مشارکت با دوستان از جمله روسیه و پاکستان بسیار مهم خواهد بود. در همین رابطه دولت چین با مرکز قرار دادن افزایش سیاست «مشارکت استراتژیک» با سایر دولت‌های نظام بین الملل از جمله قدرت‌های اروپایی به عنوان قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل و همچنین قدرت-های منطقه‌ای از جمله ایران و یا برزیل به دنبال تاثیرگذاری هر چه بیشتر در مناسبات آینده نظام بین‌الملل و بازنمایی خود به عنوان یک «شریک قابل اعتماد» خواهد بود. در همین راستا، چین تلاش خواهد کرد با در مرکز قرار دادن «شبکه‌های مشارکت» در استراتژی سیاست خارجی خود و با تداوم سیاست مشارکت استراتژیک جامع با دولت‌هایی چون روسیه، پاکستان، کشورهای اروپایی، کشورهای آفریقایی و همچنین ایران (قرار داد ۲۵ ساله) حلقه دوستان خود را افزایش دهد. در این میان، نقش ایجاد «کمربندهای دوستانه و همکاری‌های اقتصادی» چین با دولت‌های همسایه خود از جمله دولت‌های آسیای جنوب شرقی نیز قابل توجه هستند.

منابع و مأخذ

فارسی:

- بوزان، بری (۱۳۹۰)، *ایالات متحده و قدرت‌های بزرگ سیاست‌های جهانی در قرن بیست و یکم*، مترجم: عبدالمجید حیدری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، نشر تهران.
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، مترجم: حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، نشر تهران.
- سازمند، بهاره؛ رضانی، احمد (۱۳۹۷)، «چین و ژاپن، دو ابتکار فرامنطقه‌ای رقیب در آسیا پاسیفیک»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، صص ۸۰-۵۱.
- سلیمی، رویا (۱۴۰۱)، «تنش در تایوان و آینده گذار قدرت در نظام بین‌الملل»، <https://www.cmess.ir/Page/View/2022-12-14/5202>
- فرزین‌نیا، زیبا؛ یاز، بهروز (۱۳۹۵)، «مناسبات راهبردی جدید چین و پاکستان و تاثیر آن بر نظم منطقه‌ای جنوب آسیا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی‌ام، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، صص ۶۴-۴۳.
- کتابی، محمود؛ دهقان، یدالله؛ سارا، دهقان نصیری (۱۳۹۵)، «تبیین روابط استراتژیک چین و پاکستان»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، صص ۴۰-۷.

انگلیسی:

- Abe, Shinzo (2013), "Opening Statement. First Meeting. The Ministerial Meeting on Strategy Relating Infrastructure Export and Economic Cooperation". Prime Minister of Japan and His Cabinet Homepage. https://japan.kantei.go.jp/96_abe/actions/201303/13kki_kaigi_e.html.
- Alvstam, Claes. G; Patrik, Ström; Naoyuki, Yoshino (2009), "On the economic interdependence between China and Japan: Challenges and possibilities", August 2009, *Asia Pacific Viewpoint*, 50(2):198 – 214.
- Arata Kuno, "China's Economic Sanctions: Its Features and Effectiveness", Faculty of International Relations, Asia University, *The Japan Forum on International Relations*, "Competition for U.S.-China Hegemony and Indo-Pacific Geoeconomics" Study Group.
- Brown P, Daigneault AJ, Tjernström E, Zou W. (2018), "Natural disasters, social protection, and risk perceptions". *World Dev.* 104:310–325.
- Carlson, Brian. G. (2018), "Vostok-2018: Another Sign of Strengthening Russia China Ties", Not an Alliance, but Defense Cooperation Is Growing, *SWP Comment*, No.47, November 2018.
- Chan, Julian (2018). "Europe's challenge to China". *The Diplomat*. From <https://thediplomat.com/2018/10/europes-challenge-to-china/>.
- China Daily (2019), "Highlights of Xi's speech at Taiwan message anniversary event", 2 January. At: <https://www.chinadaily.com.cn/a/201901/02/WS5c2c1ad2a310d91214052069.html>

- China's Military Strategy (2015), "The State Council Information Office of the People's Republic of China". At: <http://english.scio.gov.cn/>
- China's National Defense in the New Era (2019), "The State Council Information Office of the People's Republic of China". At: <http://english.scio.gov.cn/>
- Drifte, Reinhard (2008), "From 'Sea of Confrontation' to 'Sea of Peace, Cooperation, and Friendship'? Japan Facing China in the East China Sea." *Japan aktuell* 3 (2008): 27-51.
- Gabuev, Alexander (2015). "Soft Alliance"? Russia-China Relations after the Ukraine Crisis". *European Council on Foreign Relations*. (February).
- Gorenburg, Dmitry; Schwartz, Paul; Waidelich, Brain; Wishnick, Elizabeth (2023), "Russian-Chinese Military Cooperations", Approved for public release: distribution unlimited, DRM-2023-U-034684-Final. At: <https://www.cna.org>.
- Irshad, Muhammad Saqib, Qi Xin, and Hamza Arshad. (2015), "One Belt and One Road: Does China-Pakistan Economic Corridor Benefit for Pakistan's Economy?" *Journal of Economics and Sustainable Development* 6, no.24 (2015): 200-207.
- Jamejam (2012). Between China and Japan over disputed islands, available at: <http://www.jamejamonline.ir/printable.aspx?newsnum=100828962267>.
- Jochheim Ulrich, (2023), "China-Russia relations: A quantum leap?", *European Parliamentary Research Service*, Members' Research Service PE 729.349, May 2023.
- Kemenade, Willem van (2006), "China and Japan: Partners or Permanent Rival?", *Netherlands International Relations Clingendael*, November 2006.
- Lachowski, Zdzislaw (2007), "Foreign Military Bases in Eurasia", *SIPRI Policy Paper*, No. 18, June 2007.
- Lai, C. (2022), "More than carrots and sticks: Economic statecraft and coercion in China-Taiwan relations from 2000 to 2019", *Politics*, 42(3), 410-425. <https://doi.org/10.1177/0263395720962654>
- Lalwani, Sameer P. (2023), "A Threshold Alliance: The China-Pakistan Military Relationship", *United States Institute of Peace*, No. 517 | March 2023.
- Lee, Lavina (2016), "Abe's Democratic Security Diamond and New Quadrilateral Initiative: An Australian Perspective", *The Journal of East Asian affairs*, December 2016
- Ministry of National Defense People's Republic of China (2005), 'Anti-Secession Law', Order of the President of the People's Republic of China No.34, 14 March. At: <https://www.refworld.org>.
- OECD (2018), "China's Belt and Road Initiative in the Global Trade", Investment and Finance Landscape. Accessed 9 May 2021, At: [www.oecd.org/finance.Chinas-Belt-and-Road-Initiative-in-the-global-tr](http://www.oecd.org/finance/Chinas-Belt-and-Road-Initiative-in-the-global-tr)
- Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press
- Xinhua (2019), "China, Russia, Mongolia Vow to Strengthen Trilateral Cooperation". June 15. <http://www.xinhuanet.com/english/2019-06/15/c138144422.htm>.
- Xintian, Yu (2008), "China's Security Strategy: Standing in the Forefront of the times", *China International Studies*, Vol. 13, pp. 37-54.